

مدیر مدرسه حضرت عبدالعظیم میگوید تبلیغ مهم ترین وظیفه يك طلبه است استاد باشد یا شاگرد. فرقی نمی کند

تبلیغ، تکلیف طلبه است

سمانه توحیدی-میترا انصاری

زهراسادات میر مومنی، مدیر حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم است و شاگرد درس خارج رهبر انقلاب. متولد ۱۳۴۷ است و تجربه های کاری و علمی اش نشان می دهد که هم فنون مدیریت را خوب می داند و هم آداب شاگردی را. دو پسر و یک دختر دارد. آقا پسر ها یکی با موافقت مادر و دیگری با مخالفت او (مخالفت از بابت اینکه طلبه شدن برای بچه ها عادت نشده باشد) طلبه شده اند و اولیای مدرسه دخترش می گویند این دختر هم طلبه کوچک مدرسه ما است. در سال هایی که مدیریت حوزه حضرت عبدالعظیم را بر عهده داشته، این حوزه به یکی از بهترین مدرسه های علمیه خواران در کشور تبدیل شده، آن قدر موفق که حالا می شود کاردانی و تدبیر او را به عنوان یک بانوی موفق به خانواده های مذهبی معرفی کرد.

که از استادان اخلاق مجرب استفاده کنیم. برای تهذیب نفس اهمیت زیادی قایلیم و کنار این ها به مساله آموزش و مباحثه علمی هم تاکید زیادی داریم. حتی قبل از اینکه نظام امتحان های میان ترم و ماهانه در مرکز مدیریت جدی شود، ما به صورت دقیق و برنامه ریزی شده، امتحان های ماهانه را اجرا می کردیم.

عملکرد سال های اولیه حوزه، تبلیغ خوبی برای جذب طلبه های خوب بود. بچه هایی که وارد می شوند، فضای محبت آمیزی در حوزه می بینند. رفتارهایی مادرانه که همه در مسیر یک هدف انجام می شود. مسئولان مدرسه و طلبه ها به هم اعتماد دارند و این اعتماد سبب شده از ایده ها و خلاقیت های جوانان در حوزه، خوب و درست استفاده کنیم. ایده ها با تجربه های مسئولان حوزه تلفیق می شود و فضای مسالمت آمیزی ایجاد می کند که در آن فضا به نتیجه های خوبی می رسید.

شهرم را ترک کنم. قم را بی نهایت دوست دارم. متولد و ساکن قم بودم و در یک خانواده روحانی بزرگ شدم، به همین دلیل خیلی به قم علاقه داشتم. اما حالا فکر می کنم محبت پروردگار شامل حالمان شد که به ری هجرت کردیم. ابتدا قرار بود مدت کوتاهی اینجا باشیم اما حالا بیش از ۱۰ سال است که در شهر حضرت سیدالکریم ساکن هستیم. آیت الله شرعی در آن جلسه گفت می خواهیم حوزه های علمیه خواران را سامان دهی کنیم و برای این کار از استادان جامعه الزهرا اسلام الله علیها کمک خواستند. همان روز ها به همسر ماموریتی دادند و ایشان معاون فرهنگی آقای ری شهری در آستان حضرت عبدالعظیم شدند و من هم به این حوزه دعوت شدم. آن زمان اینجا زیر پوشش مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران نبود. از سال ۱۳۷۲ دایر شده بود و بحث های آزاد در آن مطرح می شد، داوطلبان آزاد در کلاس ها شرکت می کردند و برنامه کلاس ها مدون و منظم نبود. مکان حوزه هم یک ساختمان یک طبقه و چند کلاس بود. تجهیزات در این سطح نبود و برنامه هادر حد مبتدی اداره می شد.

ما به هم اعتماد داریم

سال ۱۳۷۹ حوزه مصوب شد و زیر پوشش مرکز مدیریت قرار گرفت. فضای حوزه را گسترش دادیم و از نظر محتوای علمی و سطح استادان به حوزه غنا بخشیدیم. در حوزه حضرت عبدالعظیم اولویت با بحث های تربیتی است. اهتمام ما بر این است

درس حوزه را از سال ۶۲ در جامعه الزهرا اسلام الله علیها شروع کردم. تقریباً کفایتین را تمام کردیم و ابتدای درس خارج بودیم که موضوع



تخصصی شدن و رشته بندی درس های حوزه ای مطرح شد. چون علاقه زیادی به رشته تفسیر داشتم، علاوه بر فقه و اصول، این رشته را هم ادامه دادم. از همان زمان در بیشتر شهر های کشور تبلیغ داشتم. رسالت اولیه و مهم طلبه را تبلیغ می دانم. طلبه هر کاری که می خواهد انجام بدهد، محقق یا استاد شود، باید برای تبلیغ خیلی اهمیت قایل شود و برایش دغدغه باشد. ابتدا هم باید از خود فرد و خانواده اش شروع کند تا موفق باشد. برای تبلیغ به کشورهای خارجی هم رفته ام، بیش از ۱۵ سفر به عنوان معینه کاروان و چند بار هم از طرف بعثه به عربستان رفتم. به سوریه، لبنان و کشورهای زیارتی هم سفر کرده ام. از همان سال های اول در حوزه تدریس داشتم. از سال دوم ادبیات عرب و فقه را تدریس می کردم. بعضی از درس ها را هم در بخش بین الملل برای طلبه های غیر ایرانی تدریس می کردم.

قم را بی نهایت دوست دارم

مدتی در بخش پاسخگویی به مسایل شرعی جامعه الزهرا اسلام الله علیها بودم تا سال ۱۳۷۹ که آیت الله شرعی به جمع استادان جامعه الزهرا اسلام الله علیها آمد و ضرورت طرح هجرت را مطرح کرد و به ری آمدم. آن موقع به مخیله ام هم خطور نمی کرد که





مسوولان مدرسه و طلبه‌ها به هم اعتماد دارند و این اعتماد سبب شده از ایده‌ها و خلاقیت‌های جوانان در حوزه خوب و درست استفاده کنیم

حاشیه

شبکه ملی تبلیغ افتتاح شد!

اخیراً دیدیم گروه‌های مختلفی برای اعزام به مدرسه‌ها و تبلیغ فعالند، پسر خودم طلبه است و از تشکلهای متعددی که بین برادران وجود دارد، خبر می‌داد، خیلی از حوزه‌های تهران هم علاقه داشتند این طرح را در حوزه خود داشته باشند و درباره روال کاری ما سوال می‌کردند. به همین دلیل یک تشکلهای به نام «شبکه ملی تبلیغ در مدرسه‌ها» تشکیل دادیم.

شبکه ملی تبلیغ در مدرسه‌ها حاصل کنار هم قرار گرفتن تشکلهای مختلف و پراکنده در حوزه تبلیغ است. جلسه‌های آموزشی و ۱۲ کارگاه تخصصی برای این مبلغ‌ها برگزار شد. این افراد برای ماه محرم آماده شدند. مسائلی اعتقادی، احکام و غیره در کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی بیان شد و پس از گذراندن آن مبلغان به مدرسه‌های تهران و رباط کریم، دماوند و روستا اعزام شدند. حدود صد و چند مبلغ از مدرسه خودمان به این شبکه معرفی کردیم و در فراخوان «جمع یاران» که برای معرفی مبلغ به این شبکه اعلام کردیم، بعضی از مدرسه‌های علمیه با ما همراه شدند و الان از آن مدرسه‌ها هم مبلغ در این شبکه حضور دارد.

زمانی که بچه‌ها برای تبلیغ به مدرسه‌ها می‌روند، ناظرهایی حضور دارند که بر کار بچه‌ها نظارت می‌کنند. فرم‌های مخصوصی هم داریم که مدیر مدرسه کار مبلغ را ارزیابی می‌کند و به ما گزارش می‌دهد. طرح تبلیغ در مدرسه‌ها چهره به چهره و کلاس به کلاس است. یک مبلغ در یک روز ممکن است سه تا چهار کلاس را پوشش دهد. مبلغان در ارتباط گیری با بچه‌ها موفق بوده‌اند چون ما مقدمات این کار را از چند سال پیش آماده کرده‌ایم. الان مدرسه تیزهوشان و مدرسه‌های نمونه شهرری هم از حضور مبلغان ما استقبال کرده‌اند. یکی از دلایل موفقیت بچه‌ها این است که اختلاف سنی زیادی با دانش‌آموزان ندارند به همین دلیل خیلی راحت با آنها رابطه برقرار می‌کنند. در مجموع وقتی مشکل بچه‌ها درست شناسایی شود و مطابق نیاز و خواسته خودشان برایشان صحبت شود، استقبال می‌کنند. مثلاً مساله دوست یابی و نکته‌های شرعی آن نیاز جدی دانش‌آموزان است.

اگر خودشان انتخاب کنند، کنار نمی‌گذارند

مادر حوزه نمونه‌هایی داریم که سه خواهر پشت سر هم به حوزه آمده‌اند. یعنی خواهر اول که به حوزه آمد، فضای حوزه به قدری برایش خوب بود که خواهران دیگر را هم برای حضور تشویق کرد. اگر روزهای اول مهر به حوزه هم بیایید برخی از طلبه‌های سال اول را که می‌بینید حس می‌کنید این‌ها طلبه نیستند اما به مرور وقتی در فضای حوزه قرار می‌گیرند و مناسبات آدم‌ها را در اینجا می‌بینند، خودشان مسیر را پیدا می‌کنند. وقتی این آدم خودش با تمام وجود و بدون اجبار آیین نامه و بخشنامه و نمره منفی و مثبت به یک سری رفتارها و باید‌ها و نباید‌های رسد، تکلیف‌مدار می‌شود. حتی وقتی بیرون از حوزه هم باشد، رفتارش رفتار یک طلبه است. در این صورت وقتی از این حوزه بیرون رفت، ممکن است بعد از چند وقت محفوظات درسی را فراموش کند اما رفتاری را که برایش ملکه شده و خودش انتخاب کرده، کنار نمی‌گذارد.

پاسخگویی و وظیفه ما بود

ایجاد دفتر پاسخگویی به مسائلی شرعی در حرم، ایده خودمان بود. اوایل زمانی که به حرم می‌رفتم می‌دیدم خانم‌ها معمولاً سوال‌های شرعی‌شان را از خادم‌های می‌پرسند. به این فکر رسیدم که یک سری کلاس‌های احکام و اخلاق برای خادم‌ها حرم برگزار کنیم که بتوانند در دست‌رسان‌های می‌باشند. مدتی بعد ایده تشکیل دفتر پاسخگویی به مسائلی شرعی بانوان به ذهنمان رسید و آن را عملی کردیم. اولین فارغ‌التحصیلان توانمند حوزه را در دفتر پاسخگویی به مسائلی شرعی حرم گذاشتیم تا در بطن جامعه باشند. کلاس‌های مکالمه زبان انگلیسی و عربی برای آن‌ها گذاشتیم و طلبه‌ها را برای این کار تربیت کردیم. افرادی مسلط به زبان انگلیسی و عربی هم در این دفتر گذاشتیم و الان هر کس از هر جای کشور و حتی زایران خارجی وقتی به این دفتر مراجعه کنند، می‌توانند پاسخ سوال‌شان را بگیرند. همه پاسخگویان این دفتر از فارغ‌التحصیلان حوزه خودمان هستند که برخی از آنها استاد حوزه و دانشگاه هم هستند. دفتر پاسخگویی حرم در دو شیفت ۹ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۸ از مغرب به صورت حضوری و تلفنی فعال است و اقبال فوق‌العاده‌ای از این دفتر می‌شود. یک اتاق مشاوره هم داریم که مردم وقتی می‌گیرند و مشاوره می‌توانند از استادان حوزه و دانشگاه به‌مرجعان مشاوره می‌دهند. تعداد زیادی از خانم‌ها درباره مسائلی شرعی‌شان وسواس فکری دارند، ما برای این خانم‌ها دوره‌های آموزشی می‌گذاریم و حکم دقیق اسلام را برایشان می‌گوییم و گاهی آموزش عملی هم داریم. محدوده طهارت و نجاست را برای آنها توضیح می‌دهیم، رفتار خیلی از خانم‌ها در این طرح تعدیل شده است.

مباحثه به ژاپن می‌رود!

مباحثه در چارت آموزشی مدرسه ما جایگاه ویژه‌ای دارد. سال گذشته دانشمندی از ژاپن آمده بود، حدود شش ماه در ایران بود و مرکزهای علمی مختلف را بررسی کرد؛ دانشگاه الزهراء اسلام‌الله علیها، حوزه‌ها و دانشگاه‌های مختلف و مرکزهایی که خانم‌ها در مقطع آموزش عالی در آنجا فعالند. وقتی به حوزه ما آمد، فضای حوزه برایش خیلی جالب بود. می‌گفت تصور من نسبت به محیطی که خانم‌ها هم مذهبی باشند و هم اهل علم، اصلاً این‌طور نبود. وقتی طرح مباحثه را برایش توضیح دادم، او از این روش به عنوان یک روش جالب آموزشی استقبال کرد و گفت حتماً در ژاپن روی این طرح کار می‌کنم، چون به عنوان یک روش علمی قابل عرضه است.

کار دست طلبه‌ها است

کارهای فرهنگی مدرسه به بچه‌ها است. آخرین کاری که توسط بچه‌ها اجرا شد، درباره سالروز ازدواج حضرت امیر علیه‌السلام و حضرت زهرا سلام‌الله علیها بود. یک طلبه سال دوم نکته‌های قشنگی استخراج کرده بود و مثل یک خطیب توانا آنها را برای بچه‌ها بیان کرد و به صورت داستان گفت. اگر یک سخنران از بیرون دعوت می‌کردم تا درباره این موضوع صحبت کند، این قدر برای بچه‌ها جاذبه نداشت. نمایشگاهی هم برگزار کردند و محصولات مربوط به ازدواج و مهارت‌های زندگی را در آن نمایشگاه معرفی کردند. کتاب‌ها و نرم‌افزارهای خوبی هم در این نمایشگاه به بچه‌ها معرفی کردند. حتی مابه بچه‌ها نمی‌گوییم در حوزه چه لباسی بپوشید.

در شهرری، تبلیغ با ما است

مساله نماز را هشت سال پیش طرح کردیم و از گروه آقای قرآنی دعوت کردیم درباره اهمیت نماز برای طلبه‌ها صحبت کنند. آن موقع هنوز آموزش و پرورش به این فکر نیفتاده بود اما ما برای تبلیغ در مدرسه‌ها نیرو تربیت می‌کردیم. الان ما همه مدرسه‌های شهرری و حومه را از نظر تبلیغ پوشش می‌دهیم. با آموزش و پرورش هماهنگ کردیم و به یک سری از مدرسه‌ها از طریق مبلغ می‌فرستیم و یک سری از مدرسه‌ها از طریق مدیران‌شان با مادر تعاملند و خودشان اعلام نیاز می‌کنند. آموزش و پرورش در دو منطقه دارد که مدرسه‌های هر دو منطقه به‌طور جدی از بچه‌هایی حوزه ما استفاده می‌کنند. حدود صد و پنجاه مبلغ از طلبه‌های سطح دو و سه داریم که مشغول فعالیت هستند. از همین مبلغان برای تبلیغ به دانشگاه‌ها هم معرفی شده‌اند و استاد هم به دانشگاه معرفی کرده‌ایم. بیشترین تخصص بچه‌های ما برای تبلیغ در مقطع راهنمایی است که مهم‌ترین مقطع است.